

گروه نجات یافته در کلام پیامبر اعظم ﷺ

ناصر باقری بیدهندی^۱

چکیده

حدیث فرقه ناجیه همواره مورد توجه فریقین قرار گرفته است که از زمان صدور تطبیقات فراوانی برای آن بیان شده است، در این تحقیق سعی شده که با تحلیل سندی و دلالتی این حدیث مصداق حقیقی آن را مشخص نموده و روایات ناظر بر آن را بررسی نماییم، شواهد و قرائن در محتوای حدیث و روایات ناظر بر آن نشان دهنده این موضوع است که این حدیث یک مصداق خارجی بیشتر ندارد که تمامی ویژگی‌های لازم برای فرقه ناجیه را دارا باشد؛ این ویژگی‌ها تنها یک مصداق دارد که منطبق بر مکتب پیروان اهل بیت علیهم السلام یعنی همان شیعه دوازده امامی است.

کلیدواژگان

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، فرقه ناجیه، نجات یافته‌گان، شیعه.

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه. تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۶/۸ - تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۷/۱۰.

مقدمه

تعلیمات صریح و روشن اسلام، دسترسی مردم به منبع وحی، اقتدار همه جانبه پیامبر ﷺ و شور و شوق مسلمین، در نشر اسلام از عواملی بود که نمی گذاشت اختلاف نظری در اعتقادات مسلمانان به وجود آید و اگر هم در موردی مشکل پیش می آمد، صاحب شریعت، به آسانی آن را حل می کرد، زیرا کلیه نواهی آن حضرت متبع و اوامرش لازم الاجرا بود و جای نافرمانی برای کسی باقی نمی ماند. اما همین که پیشوای اسلام، درگذشت، با گسترش قلمرو اسلام، روح کنجکاوی، پرسش و پژوهش، بین مسلمانان، بیدار شد و در فهم حقایق قرآن دقت بیشتری به کار رفت و برخورد فکری مسلمانان، با ملت های مختلف، موجب ظهور و بروز جنبش عقلی فوق العاده ای در اسلام گردید.

این در حالی است که حق، واحد است^۱ و پیامبر اکرم ﷺ فقط یک روش و یک اندیشه را برای مردم آورد و مسلمانان موظف بودند طبق آن مشی کنند و راهی غیر از راه او نروند.^۲ اما رسول خدا ﷺ در پیشگویی های خود از تبعیت امت مسلمان از امت های پیشین^۳ و افتراق آن ها به فرق متعدد خبر داده است.^۴ از آنجاکه می دانیم پیامبر اکرم ﷺ فقط یک دین آورده است نتیجه می گیریم که همه مذاهب و فرقه ها نمی توانند حق و درست باشند. به همین جهت است که پیروان مذاهب مختلف در طول اعصار و قرون کوشش نموده اند تا ثابت کنند که مذهب آنان عین اسلام ناب است که رسول اکرم ﷺ مبلّغ و مبین آن بوده است و دیگر مذاهب بر باطل بوده اند. از آنجاکه:

^۱ رک: انعام، ۱۵۳، یونس ۳۲، آل عمران ۷۳ و ۱۹؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۸ ص ۱۶۳ و ج ۱۴ ص ۲۰۱۷، ۸۷.

^۲ حشر، ۷.

^۳ بخاری در صحیح به سندش از ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: به طور حتم شما از سنت های پیشینیان وجب به وجب و ذراع به ذراع پیروی خواهید کرد، حتی در صورتی که آنان داخل سوراخ سوسمار شده باشند شما نیز کار آن ها را دنبال خواهید کرد. عرض کردیم: ای رسول خدا، مقصود شما یهود و نصارا است؟ حضرت فرمود: پس چه کسی غیر از آن است.

^۴ علت اصلی که منجر به اختلاف و تفرقه شد تعیین خلیفه بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ بود.

- (۱) مسئله نجات و رستگاری ریشه در فطرت انسان دارد و هر انسان فهمیده دوست دارد مدال نجات و رستگاری را بر گردن آویزد؛
- (۲) خداوند انسان‌ها را برای رسیدن به رستگاری و نجات آفریده است؛
- (۳) همه‌ی ادیان از نجات پیروان خود دم می‌زنند و رهروان کیش خود را به رستگاری ابدی بشارت می‌دهند؛
- (۴) قرآن کریم به شدت تقلید کورکورانه را نفی کرده و انسان‌ها را به خردورزی، تدبر و تعقل و آزادمنشی در قلمرو فکر و اندیشه فراخوانده است، طبیعی است که پیرامون آن تحقیق کرده تا این گروه رستگار رهیده از آتش را پیدا کند و معتقد به عقاید آنان گردد.
- اگر می‌بینیم دواعی بر نقل حدیث افتراق در کتاب‌های حدیث^۱ و ملل و نحل^۲ و تفاسیر^۳ زیاد بوده و در منابع فریقین به فراوانی نقل شده ناشی از همین ضرورت بوده است.
- نیز اهمیت موضوع علاوه بر عالمان ملل و نحل دانشوران را به خلق تک‌نگاری‌های زیر واداشته است:
- الصوارم الماضیه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه الناجیه: سید محمد مهدی قزوینی.
- حجة الغدير فی تعیین الفرقه الناجیه: شیخ محمد غراوی نجفی.
- الفرقه الناجیه و اثبات أنها الشیعه الامامیه: ابراهیم بن سلمان قطیفی، تحقیق مهدی فقیه ایمانی.
- رساله میزه الفرقه الناجیه عن غیرهم: محمد اسماعیل مازندارانی خاجوئی.
- گروه راستگاران: سید محمد موسوی: سلطان الواعظین شیرازی.

^۱. مانند: مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۱۱؛ سنن ابی داوود، ج ۴ ص ۱۹۸؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۶؛ الخصال، ج ۲، ص ۱۱۳؛ معانی الاخبار، ج ۲، ص ۱۱۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱ ص ۲۱۸؛ مجمع الزوائد، ج ۱ ص ۱۷۲؛ بحار ج ۲۸ ص ۱۰.

^۲. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، ص ۵، شهرستانی، ملل و نحل شهرستانی، ج ۱ ص ۱۱، اسفراینی، ابی‌المظفر، التبصیر، ص ۱۵.

^۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۱؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۳؛ قرطبی، احمد بن محمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۹؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۷۴.

- الفرقه الناجیه: تعریب کتاب فوق است توسط آقای فاضل فراتی.
- الشیعۀ الفرقه الناجیه: سعید ابو معاش.

فرقه ناجیه

پیرامون حدیث افتراق امت، از چند جهت می‌توان سخن گفت: در این کُتبه نوشت بر آنیم که ضمن آوردن متن حدیث و ذکر پاره‌ای از نقل‌های آن، به بررسی سندی و دلالتی آن پردازیم. احادیث معارض را نیز ذکر نموده و مورد کنکاش قرار دهیم و در پایان گروه رستگار از این هفتادوسه ملت را معرفی نماییم.

برای ورود در بحث می‌گوییم:

با بروز و ظهور اولین نشانه‌های اختلاف بین امت رسول‌الله ﷺ و در زمانی که گروه‌های ذی‌نفوذ با دسته‌بندی سیاسی مبتنی بر منافع خاص و تحمیل انتخاب جانشین پیامبر ﷺ سعی داشتند حرکت اصیل نهضت اسلامی را در جهت اهداف و منافع خود قالب‌گیری کنند، گروهی از مؤمنین پاکستان‌ها که تعالیم عالیه‌ی رسول‌الله ﷺ را فراموش نکرده بودند و به دور شمع وجود حضرت علی (علیه السلام) گرد آمدند و به تدریج به «شیعه علی» و در کثرت استعمال به فرقه‌ی حقه‌ی «شیعه» موسوم گردیدند.

متن حدیث

قال رسول‌الله ﷺ ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه کُلّها فی النار الا واحده؛ زود باشد امت من به هفتادوسه گروه پخش شوند و جز یک گروه همه در آتش‌اند.

چنان‌که می‌بینیم در حدیث فوق پیش‌بینی شده است که امت متفرق خواهد

^۱. مضمون حدیث در منابع بسیاری آمده از جمله: سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۸؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۶۴؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۱۲۸؛ جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۸۴؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۴؛ صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۲۶؛ کتاب الایمان و...

شد و حتی تعداد آن نیز تعیین شده است.

این حدیث با عبارت‌ها و مضمون‌های مشابه و گاه متفاوت در دیگر کتاب‌های روایی فریقین یافت می‌شود به برخی از نقل‌ها اشاره می‌کنیم:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ای ابالحسن! امت موسی هفتادویک فرقه شدند، یک فرقه اهل نجات و هفتاد فرقه در آتش‌اند و امت عیسی هفتادودو فرقه، و یک فرقه اهل نجات و بقیه در آتش‌اند و امت من هفتادوسه فرقه می‌شوند یک فرقه اهل نجات و بقیه در آتش‌اند؛ گفتم: یا رسول‌الله ﷺ، کدام فرقه اهل نجات است فرمود: آن فرقه‌ای که چنگ بزنند به آنچه تو و اصحابت به آن چنگ زده‌اید.^۱

علی بن محمد خزاز در کتاب کفایه از علی بن ابی‌طالب نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: امت من به هفتادوسه فرقه تقسیم می‌شوند، یک فرقه اهل نجات و بقیه هلاک می‌شوند و نجات پیدا کنندگان کسانی هستند که به ولایت شما چنگ بزنند و از علم شما بهره ببرند و به رأی خود عمل نکنند؛ هیچ اعتراض بر این گروه وارد نیست.^۲

اختلاف در تعداد

نکته: در احادیث مذکور تعداد فرقه‌ها هفتادودو و در بعضی هفتادوسه فرقه آمده است. این دو نقل مشهور است اما نقل‌ها منحصر در این عدد نیست در بعضی نقل‌ها اشاره به دو و در بعضی به سه و در برخی چهار فرقه ذکر شده است. این نقل‌ها قابل جمع و توجیه است.

ممکن است آنجا که حضرت فرموده به دو فرقه تقسیم می‌شوند مراد از دو فرقه، دو فرقه اصلی (مؤمن و منافق، یا شیعه و سنی) باشد.

و آنجا که فرموده سه فرقه می‌شوند، شاید اشاره به سه فرقه اولی باشد که بعد از رحلت رسول خدا ﷺ ظهور پیدا کرد: دسته اول گروهی از کبار صحابه، انصار و تمام بنی‌هاشم که علی بن ابی‌طالب را امام می‌دانستند. دسته دوم که شمارشان

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۳۶.

۲. عاملی، حر، وسائل الشیعه، ج ۲۷ ص ۵۰.

اندک و زود منقرض شد، به بهانه وراثت به عباس، به عبدالمطلب گرایش داشتند. دسته سوم که قائل به خلافت ابوبکر شدند. نکته دیگر اینکه، عبارت «الفرق کلّها فی النار الا واحدة» در برخی از نقل‌ها وجود ندارد.^۱

تعداد فرقه‌های رستگار

از برخی از روایات مشهور استفاده می‌شود که از میان هفتاد و چند فرقه مدعی مسلمانی فقط یک فرقه اهل نجات هستند. این نکته حرف و حدیث‌های بسیاری را به دنبال داشته است.

روایت دیگر تنها یک فرقه را دوزخی می‌داند.

توضیح مطلب: برخلاف انبوه روایات که گروه ناجی را یک فرقه می‌داند، روایتی وجود دارد که یک فرقه را دوزخی معرفی می‌کند. عجلونی در کشف الخفاء آورده است که پیامبر ﷺ فرمود:

تفترق امتی علی سبعین فرقة کلهم فی الجنة الا فرقة واحدة؛ امت من به هفتاد فرقه خواهند شد که همه بهشتی‌اند مگر یکی.

در ادامه این حدیث است که چون پرسیدند که این یک فرقه کدام است فرمود: الزنادقة.

دیلمی هم در الفردوس آورده است که پیامبر (ص) فرمود: تفترق امتی علی بضع و سبعین فرقة کلها فی الجنة الا الزنادقة؛ امت من به هفتاد و اند فرقه می‌شوند که همه بهشتی‌اند مگر زندیقان.

سند این حادثه ضعیف است و تاب مقاومت در برابر احادیث که یک فرقه را اهل نجات می‌داند را ندارد. برخی هم آن‌ها را جعلی دانسته‌اند. سیوطی در اللآلی حدیث اول را فاقد اصل دانسته است و حدیث دوم را دیلمی از انس بن مالک

۱. افتقرت اليهود علی احدى - او اثنین - و سبعین فرقة، و تفتقرت النصارى علی احدى - او اثنین - و سبعین فرقة، و تفترق امتی علی ثلاثین و سبعین فرقة. رک: ابن ابی داود، سنن ابی داود، رقم ۴۵۹۶؛ ترمذی، سنن ترمذی رقم ۲۶۴۲، نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۶؛ راوی حدیث ابو هریره است که به تقطیع روایات عادت داشت.

۲. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء، ج ۱، ص ۳۶۹.

۳. دیلمی، الفردوس مأثور الخطاب، ج ۲، ص ۶۳.

بدون سند متصل روایت کرده است.

از سوی دیگر حدیث در مقام بیان فرق مسلمان است درحالی که زناده ملحد هستند و مسلمان نیستند. مگر مقصود از زندیقان افراد لایبالی از امت باشند. شایان ذکر است که در نقل مقدسی، هفتادودو فرقه اهل نجات و یکی از آنان دوزخی معرفی شده‌اند.

او مدعی است که سند متنی که مورد استناد او است، صحیح‌تر از سند متن روایتی است که هفتادودو فرقه را هالک و تنها یک فرقه را ناجی دانسته است.^۱

راویان حدیث از صحابه

مضمون این حدیث شریف توسط جمعی از صحابه روایت شده است افرادی از قبیل علی بن ابی طالب علیه السلام، عبدالله ابن عباس، ابوهریره، انس ابن مالک، سعدبن ابی وقاص، صدی بن عجلان، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، عمرو بن عوف مزنی، عوف بن مالک اشجعی، عویمر بن مالک، معاویه بن ابوسفیان، واثله بن اسقع و...^۲

سند این احادیث

درباره سند حدیث، دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است: برخی آن را صحیح دانسته‌اند مانند عبدالقادر بغدادی^۳ و ابن تیمیه^۴؛ برخی از محققان اسلامی به صحت حدیث مزبور اعتقاد ندارند و می‌گویند در تمام سندهای مختلف حدیث اشخاص ضعیف و یا مجهول وجود دارند و چنین حدیثی شایسته استدلال نیست مثل ابن حزم^۵.

برخی گفته‌اند: اگرچه سند حدیث ضعیف است اما نقل‌های متعدد و اسناد

۱. رک: مقدسی، احمد بن محمد، احسن التقاسیم فی معرفۃ الاقالیم.

۲. آل محسن، علی، دلیل المتجیرین فی بیان الناجین، ص ۳۳.

۳. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، ص ۷ و ۸.

۴. الصحوۃ الاسلامیۃ بین الاختلاف المشروع والتفرق المذموم، ص ۳، دکتر یوسف قرضاوی، کتاب المسائل (عن سلسله الاحادیث الصحیحه، ج ۱، ص ۳۵۹).

۵. اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الاهواء و الملل، ص ۲۴۸.

گوناگون آن در بین شیعه و اهل سنت سبب اطمینان به آن شده و آن را قابل احتجاج کرده است.^۱

برخی نیز مثل ابوالحسن اشعری و فخر رازی در برابر سند آن سکوت کرده‌اند و سخنی در نفی و اثباتی آن نگفته‌اند.

ناصرالدین البانی در «سلسله الاحادیث الصحیحه» می‌نویسد: این حدیث ثابت بوده و شکی در آن نیست.^۲

سیوطی طبق نقل علامه عبدالرئوف مناوی در فیض القدر تصریح به تواتر آن دارد.^۳ و همین‌طور کتانی^۴ و حاکم نیشابوری بعد از نقل این حدیث در المستدرک علی الصحیحین می‌گوید: «سندهای این حدیث به حدی است که با آن می‌توان اقامه حجت نمود».^۵

محمد بن عقیل می‌گوید: حدیث افتراق امت بر ۷۳ فرقه از طرق مختلفی روایت شده است و بسیاری از ائمه حدیث آن را تخریج نموده‌اند و برخی از روایات بعضی دیگر را تقویت و محکم می‌کند و از مجموع روایات قوتی استفاده می‌شود که دلالت بر ثبوت اصل اصیلی برای حدیث دارد.^۶

در میان عالمان شیعی، شیخ صدوق آن را در کتاب خصال^۷ و علامه مجلسی در بحار الانوار^۸ به سندهای گوناگون نقل کرده‌اند، از این جهت شاید بتوان مشکل صحت سند حدیث را حل کرد.

از کلمات محدثان که برخی از آن‌ها نقل شد، کثرت نقل و استفاضه‌ی حدیث در کتب شیعه و اهل سنت، معلوم گردید و کلام ابن حزم^۹ و نیز کلام محمد بن

۱. شهرستانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۵-۲۶.

۲. البانی، ناصرالدین، سلسله الاحادیث الصحیحه، ج ۱، ص ۳۶۱.

۳. مناوی، عبدالرئوف، فیض القدر، ج ۱، ص ۲۱.

۴. کتانی، نظم المتناثر، ص ۵۷.

۵. نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۲۸.

۶. محمد بن عقیل، تقویة الایمان، ص ۱۲۵.

۷. صدوق، محمد بن علی، خصال، ج ۲، ص ۵۸۴، باب های «سبعین و ما فوق» ح ۱۰ و ۱۱.

۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲-۳۶، که بیشتر احادیث صحاح و مسانید اهل سنت را نقل کرده اند.

۹. اندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، ج ۳ ص ۲۹۳.

ابراهیم وزیر (م ۸۴۰ هـ) در مورد این حدیث که احتمال داده‌اند از ساخته‌ها و پرداخته‌های ملحدان باشد^۱، مقرون به صحت نیست. بدین جهت باید به بررسی مفاد و مدلول آن پرداخت.

بررسی دلالت حدیث

در اینجا چند بحث مطرح می‌شود:

۱. در تعداد فرقه‌های اهل کتاب نقل‌های مختلف روایت هم‌داستان نیستند. حاکم، تعداد فرقه‌های یهود و نصاری را، گاهی به‌طور قطعی، هفتادویک و گاهی به‌طور مردد، بین هفتادویک و هفتادودو، نقل می‌کند، درحالی‌که عبد القاهر بغدادی، با سندی که به ابوهریره منتهی می‌گردد، تعداد فرقه‌های یهود را هفتادویک و نصاری را هفتادودو و امت اسلامی را هفتادوسه، نقل می‌کند. لیکن او با سند دیگر، تعداد فرقه‌های یهود را، هفتادویک و تعداد فرقه‌های امت پیامبر ص را، هفتادودو نیز نقل می‌کند.^۲

۲. اختلافی که موجب تعداد این گروه‌ها شده مربوط به اسلام است و الا اختلاف در مسائل طبیعی و فلکی و غیره ارتباطی به اختلاف امت پیامبر ندارد درحالی‌که در روایات روی «امتی» تکیه شده بود.

۳) افتراقی که در این حدیث مورد بحث است فقهی است یا کلامی؟ در جواب باید گفت که کلامی و اعتقادی است زیرا در باب فقه گفته‌اند: من اجتهد فاصاب فله اجران و ان اخطأ اجر واحد؛ هر کسی اجتهاد کند و به‌واقع برسد دو اجر دارد و اگر به‌واقع نرسد یک اجر خواهد داشت.

۴) آیا ارقامی که در این احادیث به کار رفته حقیقی است یا مجازی؟ ظاهراً مجازی و برای مبالغه است و استفاده از هفتاد برای افاده مبالغه در کلام عرب مسبوق به سابقه است.^۳

۱. ابن‌الوزیر، محمد بن ابراهیم، العواصم و القواصم، ج ۱ ص ۱۸۶.

۲. بغدادی، عبد القاهر، الفرق بین الفرق، ص ۵-۷.

۳. توبه، ۸، ان تستغفر لهم سبعین مرة فلن يغفر الله لهم.

برخی از نویسندگان ملل و نحل که آن را حقیقی دانسته‌اند^۱ تلاش کرده‌اند که برخی از متکلمان که در بحثی خاص نظر تازه‌ای ابراز کرده‌اند آنان را در رأس فرقه نو معرفی کنند تا شماره مذکور در حدیث افتراق امت را پر کنند.

برخی از آنان مانند، شهرستانی، پا را فراتر نهاده فرقه‌هایی به شیعه نسبت داده‌اند که هیچ اثری از چنین فرقه‌ها وجود ندارد و هیچ سندی هم برای ادعای خود ارائه نمی‌دهد؛ برای نمونه مقریزی (م ۸۴۸) در کتاب خود حدود ۳۰۰ فرقه برای شیعه ذکر کرده است!^۲ به نظر می‌رسد هدف آن‌ها تخریب چهره ائمه (علیهم السلام) و یاران ایشان در تاریخ بوده است؛ مثلاً درباره زراره، هشام بن حکم، هشام بن سالم جوالیقی، یونس بن عبدالرحمن و مؤمن طاق به فرقه‌های به نام زراریه، هشامیه، جوالیقیه، یونسیه و شیطانیه اشاره می‌کند^۳، نویسنده کتاب غالیان ۳۴ مورد از این فرقه‌ها را بررسی کرده و ثابت کرده که برخی از آن‌ها وجود خارجی ندارد.

علامه سید مرتضی عسکری در این باره می‌گوید: «اگر به ما اجازه داده می‌شد ما هم فرقه‌ای به نام فرقه‌های مذکور در کتب ملل و نحل می‌افزودیم و آن فرقه، فرقه مبتکره نام می‌گرفت و در توضیح آن می‌گفتیم که این فرقه صاحبان کتاب ملل و نحل هستند که فرقه‌های را برای مسلمانان اختراع می‌کنند و به آنان نسبت می‌دهند، متأسفانه این کتاب‌ها در میدان خالی از شیعه نوشته شده و تهمت‌ها به شیعه‌ها زدند.^۴»

سؤال دیگر این‌که آیا این توجیه که رقم حدیث کنایه از فزونی فرقه‌هاست را می‌توان پذیرفت؟

به نظر می‌رسد سیاق روایت که نخست تعداد فرقه‌های یهود و نصاری با رقم‌های ۷۱ و ۷۲ نام می‌برد آنگاه رقم ۷۳ را درباره فرقه‌های امت اسلامی یادآور می‌شود، با چنین توجیهی سازگار نیست.^۵

۱. مثل: ملطی، بغدادی، ابوالمعالی، عراقی حنفی، شهرستانی، ابن مرتضی.

۲. مقریزی، تقی الدین، مکتبه مدبولی، الخطط، ج ۴، ص ۱۷۳.

۳. همان، ص ۱۷۶.

۴. عبد الله بن سبا، ج ۲، ص ۱۷۲ به نقل از مقامات امامان، سلیمانیان، ص ۴۴.

۵. شهرستانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۱ ص ۳۵.

در حدیث زمان تعیین نشده که ارباب ملل و نحل مثل شهرستانی شتابزده بخواهند با ترکیب و تلفیق فرقه‌های جزئی با یکدیگر، آمار یادشده را بر فرقه‌های موجود در زمان خود، تطبیق دهند و مصادیق را پر کنند^۱ و تیره‌های که پیرو ندارند، فرقه بنامند. این افتراق در طول حیات امت اسلامی تحقق خواهد یافت؛ و آمار یادشده، مخصوص اعصار گذشته نبوده، بلکه آینده را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین علت ندارد که فرقه‌های هفتاد و اندی را تنها در قرون گذشته جستجو کنیم، بلکه پرونده حدیث تا روز رستاخیز یا تا قیام مهدی (عج) باز است و شاید تا آن زمان آمار فرقه‌ها به این پایه برسد.

برخی مثل فخر رازی با توجه به کثرت فرقه‌ها معتقدند که این عدد اشاره به فرقه‌های اصلی دارد.^۲

برداشت دیگر از این حدیث از زبان خاورشناس معروف گلدزیهر مطرح شده است او گفته است: منظور پیامبر اسلام ﷺ از بیان هفتاد و سه فرقه شدن و متفرق شدن مسلمانان بیشتر از یهود و نصاری، بیان برتری و فضیلت داشتن مسلمانان نسبت به یهود و نصارا است.^۳

۵) در خصوص این فقره از کلام نبوی که فرمود همه در آتش هستند مگر یک فرقه، بایستی توجه داشت که این در صورتی است که حجت بر آنها تمام شده باشد و باز مخالفت کنند (نه جاهل قاصر).

در غیر این صورت عوام که قطع دارند مذهبشان صحیح است و مقصر هم نیستند معذورند.^۴

استاد شهید علامه مطهری در کتاب عدل الهی تحت عنوان عمل خیر از غیرمسلمان می‌نویسد:

«به نظر حکمای اسلامی از قبیل بوعلی و صدرالمآلهین اکثریت مردم که به حقیقت اعتراف ندارند قاصرند نه مقصر؛ چنین اشخاصی اگر خداشناس باشند و

۱. رک: همان، ص ۱۵.

۲. فخر رازی، اعتقادات فرق المسلمین المشرکین، ص ۷۴.

۳. تسهیر، جولد، العقیده و الشریعة، ص ۱۸۷.

۴. رک: خمینی (ره)، روح الله، مکاسب محرمه حضرت امام، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۴.

به معاد اعتقاد داشته باشند و عمل خالص قریه‌الی الله انجام دهند پاداش نیک عمل خویش را خواهند گرفت تنها کسانی به شقاوت کشیده می‌شوند که مقصر باشند نه قاصر^۱»

۶) آیا دوزخی بودن این فرقه‌ها به معنای خلود در آتش است؟
خیر، خلود مخصوص کفار است. اینان از امت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) هستند در حدیث واژه «امّتی» به کار رفته و به همین دلیل بسیاری از عقاید نگاران نخستین تمام آن‌ها را با عنوان مسلمان مطرح کرده‌اند از باب مثال بنگرید به کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین ابوالحسن اشعری، بنابراین فرق‌ها همه پس از پایان یافتن دوران عذاب از جهنم خارج می‌شوند.

کیستی فرقه ناجیه

در اینکه کدام‌یک از این فرقه‌ها اهل نجات‌اند، هر گروه با استناد به پاره‌ای از نقل‌ها مدعی است گروه نجات‌یافته از آتش گروهی است که به آن منسوب است^۲ به دیگر سخن، فرقه ناجیه در دیدگاه معتزله خود معتزله است، در نگاه کرامیه نیز کرامیه است، در دیدگاه مشبهه مشبهه است و...^۳ و حال و وضع آنان در این باره چنان است که شاعر گفته:

کل يدعی وصلاً لبیلی ولیلی لا تقر لهم بذکا

اذا انجس الدموع علی الخدود تبین من بکی ممن تباکا

هرکدام ادعا دارند که آن‌ها به وصال لیلی رسیده‌اند لکن لیلی چنان چیزی را اعتراف ندارد هرگاه سرشک از دیدگان جاری شود گریه کننده واقعی از متظاهر به آن معلوم می‌گردد.

بیشتر اهل سنت به دلیل وجود لفظ «الجماعه^۴» یا «الجماعات» و عبارت «ما انا

۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی، ج ۱ ص ۳۱۸.

۲. رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۸، ص ۲۲۲ و ۲۲۱.

۳. عبدالحلیم محمود، التفکر الفلسفی فی الاسلام، ص ۱۰۰.

۴. نمونه‌های از این احادیث را بنگرید در: جامع الاصول، ج ۱۰، ص ۴۰۷، ش ۷۴۶۸، سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۹۸.

علیه و اصحابی^۱ آنچه من و اصحابم بر آن هستیم» خود را مصداق این الفاظ دانسته‌اند.^۲

اما شیعیان به استناد به دلایل روایی دیگر ابهام این روایت را برطرف و آن را به شیعه امامیه تفسیر کرده‌اند.

بیان مصداق فرقه ناجیه در روایات دیگر

گفته‌اند: الآیات یفسر بعضه بعضاً، احادیث نیز چنین شأنی دارند؛ یعنی همان‌گونه که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند، احادیث نیز می‌توانند مفسر هم باشند. با توجه به این اصل اینک سراغ روایاتی می‌رویم که بیانگر مصداق حدیث سابق‌اند:

۱. حدیث سفینه و راه نجات

پیامبر خدا ﷺ فرمود: مثل اهل‌بیتی کمثل سفینه نوح من تمسک بها نجی، ومن تخلف عنها غرق^۳؛ ماجرای اهل‌بیت من مانند ماجرای کشتی نوح است، هر که به آن تمسک جست نجات یافت، و هرکسی از آن بازماند قطعاً غرق شده است. حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می‌نویسد: این روایت، بنا بر شروط شیخین، صحیح است. تمام شرط‌های که بخاری و مسلم در این دو اثر برای اعتبار حدیث قائل‌اند و بر اساس آن روایتی را در صحیح خود آورده‌اند در این روایت نیز وجود دارد.

ابن حجر در معنای حدیث چنین گفته‌اند:

وجه تشبیه اهل‌بیت پیامبر ﷺ به کشتی نوح این است که هرکس آنان را دوست بدارد و آنان را بزرگ بشمارد و از هدایت دانشمندان اهل‌بیت بهره‌مند گردد، از تاریکی مخالفت با حق نجات خواهد یافت، و هرکسی از آنان روی

۱. ترمذی، سنن ترمذی ج ۵، ص ۲۶، هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۵۹.

۲. نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۲۸؛ بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق ص ۷.

۳. نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۱؛ مناوی، عبدالرئوف، فیض القدیر، ج ۲، ص ۶۵۸؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸.

برتابد، در دریای کفران نعمت الهی غرق و در ورطه‌ی طغیان هلاک می‌شود.^۱ اینک از وجدان‌های انسان‌های آزاده و منصف می‌پرسیم در میان مذاهب مختلف اسلامی کدام‌یک از مذاهب اسلامی است که در اصول و فروع دین به دامن اهل بیت پیامبر ﷺ خود چنگ زده است جز شیعه دوازده‌امامی؟ با توجه به این امر قطعی هیچ جای تردید باقی نمی‌ماند که فرقه ناجیه شیعیان پیرو مکتب اهل بیت ﷺ هستند.

۲. حدیث ثقلین

حدیث ثقلین که از معروف‌ترین روایاتی است که علمای اهل سنت در کتب خود آورده‌اند و تواتر آن امری است مسلم و انکارناپذیر. ترمذی در کتاب صحیح خود، از جابر بن عبدالله انصاری این‌گونه نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ فرمود: یا ایها الناس انی ترکت فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلّوا؛ کتاب الله و عترتی اهل بیتی؛^۲ ای مردم! من در میان شما چیز گذاشتم که اگر بدان تمسک جوید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترتم که خاندانم می‌باشند.

در این حدیث شریف که با سندهای صحیح و عبارت‌های مختلف و در مکان‌های مختلف^۳ در مصادر شیعه و اهل سنت نقل شده، پیامبر خدا ﷺ تنها فرقه نجات‌یافته از گمراهی را گروهی می‌داند که متمسک به قرآن و عترت پیامبر شده‌اند تا از این راه به سعادت دائمی نائل آیند.

۳. حدیث امان

رسول خدا ﷺ فرمود: ستارگان نگره‌دارنده زمینیان از غرق شدن هستند و اهل بیت من امان اتمم از اختلاف می‌باشند، پس هرگاه گروهی از عرب با اهل بیت

۱. ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۱؛ شهرستانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۱ ص ۳۲.

۲. ترمذی، صحیح ترمذی ص ۱۲۵، ح ۳۷۸۸؛ مقدمه کتاب جامع الاحادیث الفقهیة للشیعة الامامیة ج ۱، ص ۲۰۴؛ المراجعات، تحقیق حسین الراضی، ص ۷۲، ۷۳، ۲۶۲، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۰، ۳۵۶ و ۳۸۴.

۳. در روز عرفه در مسجد خیف در خطبه غدیر در آستانه رحلت؛ ر ک: شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، ج ۹، ص ۳۰۹-۳۷۵.

مخالفت کنند بین آنها اختلاف افتاده و در نتیجه در زمره حزب ابلیس قرار می گیرند.^۱

رسول الله برای آن که مردم از اختلاف و گمراهی در امان بمانند، به پیروی از اهل بیت دعوت کرده و پیروان اهل بیت را فرقه و گروه ناجی برشمرده است.

۴. روایات دوازده پیشوا

آن حضرت امت را به وجود دوازده خلیفه، پس از خود بشارت داده اند که زیاد یا کم نمی شوند و به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند. این موضوعی است که صاحبان کتاب صحاح و مسانید اهل سنت از آن حضرت روایت کرده اند.

جابر بن سمره^۲ می گوید از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمود: دوازده امیر در میان شما خواهند بود. سپس کلمه ای را گفت که من نفهمیدم آنگاه از پدرم پرسیدم؛ پدرم گفت پیامبر ﷺ فرمود: همه آنان از قریش هستند.^۳

مقصود آن حضرت از قریش، امامان از اهل بیتش هستند. امام علی (علیه السلام) فرمود: به حقیقت امامان از قریش هستند. در این بطن از هاشم نهاده شده اند و این امر شایسته هیچ کس غیر ایشان نبود، ولایت کسی غیر از ایشان صحیح نیست.^۴

این گونه احادیث دلالت دارند بر این که تنها فرقه و گروهی اهل نجات اند که تا رستاخیز دوازده امامی بوده و برای خود دوازده رهبر برگزیده اند.

۳. احادیثی که در مقام پاسخ به سؤال راوی، امام علی علیه السلام گروه ناجیه

معین شده است.

۱۹ حدیث مفصل که در آن پیامبر خدا ﷺ پس از بیان اینکه امت موسی ۷۱ و امت عیسی ۷۲ فرقه شده اند و امت محمد، نیز ۷۳ فرقه خواهند در پاسخ پرسش

۱. نیشابوری، حاکم، مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱.

۲. جابر بن سمره عامری خواهر زاده سعد بن ابی وقاص است که بعد از سال ۷۰ هـ بدورد حیات گفته است راوی است و در صحاح اهل سنت ۱۶۴ حدیث دارد؛ نک: جوامع السیره، ص ۲۷۷.

۳. بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۷؛ کتاب الاحکام حدیث ۷۲۲۳ و...

۴. ری شهری، محمد، اهل البیت فی الکتاب والسنة، ص ۷۳.

امام علی علیه السلام که کدام یک از این فرقه‌ها ناجیه اند، فرمود: «المتمسک بها انت و اصحابک» تو و یارانت.^۱

در حدیث دیگر رسول خدا در پاسخ به این پرسش که فرقه ناجیه کدام است فرمود: من کان علی ما انا علیه و اهل بیتی و من قام علی عهدی بعد وفاتی. هر کس بر آن چیزی باشد که من و اهل بیتم بر آنیم و آن که پس از درگذشت من بر پیمان من استوار می‌ایستد.^۲

این متن به صراحت ناظر به شیعه امامیه دانسته شده است.

قال رسول الله ﷺ: سیأتی علی امتی ما أتی علی بنی اسرائیل مثلٌ بمثل، وأنهم افترقوا علی اثنتین والسبعین ملّة و ستفترق امتی علی ثلاث وسبعین ملّة تزيد علیهم واحدة کلّها فی النار غیر واحدة. قال: قیل: یا رسول الله و ما تلك الواحدة؟ قال: هو ما نحن علیه اليوم انا و اهل بیتی.^۳

۵. احادیث فائزون «رستگاران»

محمد بن علی (از امام باقر علیه السلام) نقل می‌کند: سئلت امّ سلمة زوج النبی عن علی بن ابی طالب علیه السلام؛ از امّ سلمه همسر پیامبر ﷺ درباره علی سؤال کردم. فقالت: سمعت رسول الله يقول انّ علیاً و شیعته هم الفائزون؛ گفت از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌گفت: همانا علی و شیعیانش در روز قیامت از رستگاران‌اند.^۴

ابوالعلاء مالیقی روایت می‌کند: رسول خدا ﷺ فرمود:

ای علی، وقتی که روز قیامت فرارسد، گروهی از قبور خود خارج می‌شوند که لباس‌های از نور بر تن دارند. سوار بر مرکب‌هایی از نورند که افسارشان یاقوت سرخ است و فرشتگان الهی آنان را با احترام به محشر می‌آورند.

پس علی علیه السلام فرمود: تبارک الله، این گروه چقدر در نزد خدا گرامی‌اند.

رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی، آنان اهل ولایت تو و شیعیان تو و دوستداران

۱. ابن راشد، مفلح بن الحسین، الزام النواصب بامامه علی بن ابی طالب، ص ۱۲۶-۱۳۷؛ شرح احقاق الحق، ج ۷ ص ۱۸۵

۲. بحرانی، غایه المرام، ج ۶ ص ۱۷.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۴ به نقل از معانی الاخبار.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۲؛ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۴۱ و ۴۳

تواند که بامحبت من تو را دوست می‌دارند و بامحبت خدا مرا دوست می‌دارند، آن‌ها رستگاران روز قیامت‌اند.^۱

جلال‌الدین سیوطی در تفسیر آیه هفتم سوره بینه روایتی را از جابر بن عبدالله نقل می‌کند که جابر گفت: ما نزد پیامبر بودیم که علی وارد شد و رسول خدا ﷺ فرمود: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲؛ سوگند به کسی که جانم در دست اوست هر آینه این مرد (علی ع) و شیعیانش تنها رستگاران در روز قیامت‌اند.

حسینی علوی در بیان الادیان روایتی از پیامبر اعظم ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود: رستگاران همان کسانی اند که در آیه (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ الْأَمِّيَّ^۳) از آنان یادشده و اینان همان کسانی اند که به دو امانت گران‌سنگ پیامبر ﷺ یعنی کتاب خدا و سنت او وفادار مانده‌اند.^۴

عن رسول الله ﷺ أَنَّهُ قَالَ: شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ،^۵
رسول اکرم ﷺ فرمود: شیعیان علی کامیاب (از رحمت خدا) می‌باشند و همه رستگارند.

۶. احادیث بهترین خلق

در پاره‌ای از منابع، شیعه را مصداق خیر البریه (بهترین خلق) معرفی کرده است از جمله در احادیث زیر:

محمد بن جریر طبری در ذیل آیه انَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ اولئكَ هم خیر البریه^۶؛ از پیامبر این گونه روایت می‌کند:

قال النَّبِيُّ ﷺ: انت يا عليّ و شيعتك. یعنی منظور از «خیر البریه» تو شیعیانت

۱. طهرانی، محمدحسین، معرفة الامام، ج ۳، ص ۵۹.

۲. سیوطی، الدر المنثور، ج ۸، ص ۵۸۹؛ شوکانی، فتح القدیر، ج ۵، ص ۴۷۷؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۹.

۳. اعراف، ۱۵۷.

۴. علوی، بیان الادیان، ص، ۵۴-۵۱.

۵. مغربی، قاضی نعمان، دعايم الاسلام، ج ۱، ص ۷۵. دارالمعارف، بیروت ۱۳۸۳ق.

۶. بینه، ۷. به درستی کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند ایشانند بهترین آفریدگان.

هستی.^۱

۷. احادیث دیگر

ابن عباس می‌گوید وقتی آیه انّ الذین امنوا و عملوا الصّالحات اولئک هم خیر البریة؛ نازل شد رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: «خیر البریة» تو و شیعیانت در روز قیامت هستید که از خدا خشنودید و خدا نیز از شما خوشنود است.^۲

حدیث دیگر: ابن مردویه از امام علی (ع) روایت می‌کند: رسول خدا ﷺ به من فرمود: آیا فرمایش الهی را نشنیدی که فرمود: انّ الذین آمنوا و عملوا الصّالحات هم خیر البریة.

(مقصود) تو و شیعیان توست. موعد من و شما حوض (کوثر) است وقتی که امت‌ها برای حساب و کتاب از زمین بیرون می‌آیند شما خوانده می‌شوید در حال که سیمای تابان و درخشان دارید.^۳

۸. احادیث دال بر بهشتی بودن شیعه

ابن عدی و ذهبی - که هر دو از علمای بزرگ اهل سنت‌اند - در کتابشان از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند که به علی (ع) فرمود: اما آنک یابن ابی طالب و شیعتک فی الجنّة؟ هان تو ای فرزند ابوطالب و شیعیانت در بهشت هستید.

۹. صف‌آرایی در مقابل نیکوترین فرقه

حدیثی نبوی که در کتاب مصابیح السنّة از ابوسعید خدری نقل کرده و در آن پیامبر خدا ﷺ از ماجرای سرپیچی حرقوص بن زهیر سعدی مشهور به ذوالخویصره تمیمی^۴ از راه درست اسلام خبر داده و نیز فرموده است: «آنان در

۱. طبری، تفسیر طبری، ج ۲۷، ص ۵۹۲.

۲. حلی، علی بن طاووس، الطرائف، ص ۲۲۱؛ شهرستانی، الملل والنحل، ج ۶، ص ۸۵.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۹۰؛ شهرستانی، الملل والنحل، ج ۶، ص ۸۵.

۴. ابن عدی الکامل، ج ۳، ص ۹۵۰-۹۵۱؛ ذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۷۹.

۵. نامبرده از بنی تمیم.

برابر نیکوترین فرقه از مردم سر به نافرمانی برمی دارند.^۱»

بررسی احادیث معارض

در برخی از روایات اهل سنت به خصوصیات از فرقه ناجیه اشاره شده است^۲ که مهم ترین آن ها دو خصوصیت است:

الف: الجماعة

ابن ماجه روايتی نقل کرده و در ذیل آن چنین آمده که عرض شد: ای رسول خدا! من هم؟ آن ها کیانند؟ حضرت فرمود: الجماعة.^۳ در جواب این حدیث گفته اند که:

اولاً: قسم زیادی از روایات مشتمل بر عبارت پایانی که ابن ماجه نقل کرده نیست و مطلبی با این اهمیت نمی تواند از مصداقش خالی باشد. ثانیاً: این واژه ابهام دارد و ضمیر «هم» در روایت به ۷۲ فرقه برمی گردد نه به فرقه ناجیه.

نکته ۱: احادیث که روی عنوان «الجماعات»^۴ تکیه کرده در این گروه جای می گیرد. که این هم نارسا است زیرا قابلیت آن را دارد که هر گروهی آن را بر خود تطبیق کند. افزون بر اینکه این گونه معرفی ها به دانسته های مخاطب نمی افزاید.

نکته ۲: مقصود از کلمه جماعت چیست؟ اگر اهل سنت بگویند جمیع مسلمانان مراد است، این برداشت با متن حدیث تعارض دارد. اگر مراد اکثریت مسلمانان باشد، این فرض هم پذیرفتنی نیست زیرا اکثریت به خودی خود دلیل بر جماعت نخواهد بود، بلکه در طول تاریخ پیوسته جریان برعکس بوده است، یعنی مخالفان پیامبران اکثریت را تشکیل می داده اند.

۱. متن و تحلیل آن و نیز چگونگی استدلال آن را بنگرید: ابن راشد، الزام النواصب ص ۱۲۸ و پس از آن.

۲. رک: ب شهرستانی، فی الملل والنحل.

۳. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۴۷۹ باب اقتراق الأمم؛ ابی داوود، سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۹۸؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۴. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، ج ۴، ص ۷؛ شهرستانی، الملل و النحل، ص ۱۳.

برخی عقیده دارند مراد از جماعت اهل حق هستند، اگرچه در اقلیت باشند همان‌طور که مرحوم صدوق فرموده است: اهل الجماعة اهل الحق و ان قَلَّوْا و قد روى عن النَّبِيِّ انه قال: المؤمن حجة، والمؤمن وحده جماعة،^۱ «اهل جماعت اهل حق اند اگرچه عددشان کم باشد.» از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: مؤمن حجت بر خلق خدا است و او تنهایی در حکم جماعت است. بنابراین مراد از اتصال به جماعت که رسول خدا ﷺ در پاره‌ای روایت توصیه کردند جماعت حق است و شیعه فقط این دستورات را رعایت کرده‌اند.

ب: ما انا عليه و اصحابی

در حدیث دیگری که ترمذی آن را نقل کرده پیامبر ﷺ فرقه ناجیه را این‌گونه تعریف کرده است: «... ما انا عليه و اصحابی»^۲ آن فرقه ناجیه است که من و اصحاب بر آنیم.

لکن حدیث نیز از جهاتی قابل مناقشه است:

الف: این زیادتى مصداق در برخی از روایت‌های دیگر نیامده است و نبودن آن‌هم نمی‌تواند به سبب مسامحه‌ی راوی می‌باشد، زیرا این بخش، اهمیت زیادی دارد.

ب: مراد به اصحاب یا تمام و یا اکثر آنان است.

احتمال اول که مقصود همه صحابه باطل است زیرا صحابه بعد از پیامبر ﷺ جز در مسائل ضروری درباره بسیاری از مسائل دیدگاه و مواضع مختلف و گاه ناسازگار داشته‌اند^۳ و گاه فاقد اطلاع لازم که نمی‌توان همه آنان را درست دانست به همین دلیل، امکان ندارد که همه آن‌ها سبب نجات گردند.

احتمال دوم (اکثریت صحابه)، باآنکه خلاف ظاهر روایت است، اهل سنت به آن ملتزم نمی‌شوند زیرا اکثر صحابه با خلیفه سوم مخالفت ورزیدند و در برابر قتل وی سکوت کردند که از نظر اهل سنت، کار ناصواب به شمار می‌رود.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸، ص ۲.

۲. ترمذی، سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۶؛ مجمع الزوائد ج ۷ ص ۲۵۹؛ الجامع لاحکام القرآن ج ۴ ص ۱۶۰

۳. از جمله در سقیفه بنی ساعده.

افزون بر این گاهی در مقابل اکثریت، اقلیت وجود داشت که از نظر ارزش، بر آنان برتری داشت. آیا می‌توان گفت، فزونی جمعیت بر چنین اندک ارزشمند، مقدم است و مردم باید با اکثریت باشند به کیفیت برتر. همین رو، بسیار محتمل است که این ذیل را راوی افزوده تا برای تأیید و تقویت موقعیت صحابه باشد.

با توجه به احادیثی که در مورد آینده صحابه وارد شده‌اند، می‌توان نادرستی آن را اثبات کرد.^۱

علاوه بر این اشکال دیگری که بر این ملاک وارد است عطف «صحابه» بر خود پیامبر، (انا واصحابی) است، در حال که محور هدایت، خود پیامبر است و اگر اصحاب نوری دارند، مکتسب از رسول گرامی است. در این صورت، به‌ناچار باید دست به توجیه زد و گفت که پیامبر، مقیاس هدایت در حال حیات و یاران، معیار هدایت، پس از ارتحال رسول خدا ﷺ باشند.

البته این توجیه هم با روایاتی که در مذمت برخی از اصحاب آمده دل‌نشین نیست.^۲

بی‌جهت صاحب المنار نگفته:

«تاکنون فرقه ناجیه یعنی فرقه‌ای که بر رویش پیامبر و اصحاب او عمل کند، روشن نشده است زیرا هر یک از فرقه‌های اسلامی روش خود را مطابق روش پیامبر و اصحاب می‌دانند.»^۳

برخی گفته‌اند این احادیث با احادیث (امت مرحومه) منافات دارد. احمد بن حنبل به سند خود از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: (انَّ اُمَّتِي اُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ، اِنَّمَا عَذَابُهَا فِي الدُّنْيَا الْقَتْلُ وَالْبَلَابُ)^۴؛ همانا امت من امتی است که مورد رحمت واقع شده بر او در آخرت عذاب نخواهد بود و تنها عذاب آن‌ها در دنیا کشتار و نزع است.

۱. شهرستانی، بحوث فی الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۸-۳۰.

۲. جزری، جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۱۱۹-۱۲۱.

۳. رشید رضا، المنار، ج ۸، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۴. رک: طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱ ص ۳۸۷؛ هبثی، مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۶۹؛ مناوی، عبدالرئوف، فیض القدير، ج ۵، ص ۴۷۰.

گفتنی است که این حدیث شواهدی هم در کتب روایی دارد. در پاسخ می‌توان گفت: احادیث افتراق امت متواتر بوده و احادیث امت مرحومه خبر واحد که به هنگام تعارض خبر واحد نمی‌تواند با خبر متواتر مقابله نماید.

نتیجه‌گیری

اغلب ادیان در گذر زمان به شاخه‌های گوناگون تقسیم می‌شوند و در نتیجه مذاهب متعددی پدید می‌آیند که هر کدام خود را مصداق واقعی و اصیل آن دین پنداشته و سایر مذاهب را انحراف از دین می‌پندارند. هر اندازه که فاصله زمانی با پیدایش دین اصیل افزایش می‌یابد، انشعاب‌ها و فرقه‌ها نیز افزایش می‌یابد. در کتب حدیث از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده است که امت موسی پس از او به ۷۱ فرقه و امت عیسی پس از وی به ۷۲ فرقه تقسیم شدند و پس از من امت به ۷۳ فرقه تقسیم خواهد شد که تنها یک فرقه اهل نجات خواهد بود، چنانکه از فرقه‌های هر یک از دو امت موسی و عیسی نیز تنها یک فرقه اهل نجات بود.

سنت‌های تاریخی در جوامع بشری ثابت کرده که هر چیز در امت‌های پیشین اتفاق افتاده است به همان گونه در امت اسلام و در طی دوران جاری خواهد شد. این مضمون روایت است. پس اختلافی که در امت‌های پیشین پس از غیبت یا وفات پیامبرشان رخ داد، در امت اسلام نیز پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رخ خواهد داد و آن انشعاب و تفرقه است. انشعابات که اکثر مسلمانان را به گمراهی کشانده و منجر به بازگشت آنان به گذشته است.

نکته مهم در این حدیث اهل نجات بودن یکی از ۷۳ فرقه (طبق نقل مشهور) است. غریزه‌ی خویشتن دوستی، انسان را وامی‌دارد برای آینده و رستگاری خود چاره‌ای بیندیشد.

در این که گروه نجات یافته کیست، حرف و حدیث بسیار است و هر کس خود را مصداق گروه یاد شده می‌داند. شیعه با مراجعه به روایات فراوان که در سند آن‌ها خدشه‌ی وارد نمی‌شود ثابت کرده است که مراد از فرقه ناحیه شیعیان پیرو

حضرات ائمه نورند؛ اما این سخن به این معنا نیست که اهل نجات بودن در انحصار این گروه باشد بلکه عقل حکم می‌کند که نجات برای قاصرین و جاهل‌های مستضعف از سایر فرق نیز ثابت است و این معنا در آیات و روایات نیز تأیید شده است. اهل سنت نیز روایاتی نقل کرده‌اند که ذیل آن‌ها فرقه ناجیه خودشان معرفی شده‌اند.

در این تحقیق به بررسی سندی و دلالتی احادیث پرداختیم و ضمن احترام به نظریه دیگران و با شواهد فراوان روایی^۱ به این نتیجه رسیدیم که فرقه ناجیه شیعه است اما نه هر شیعه‌ای بلکه شیعه اثنا عشری.

برای مطالعه بیشتر

بررسی تطبیقی رستگاری و نجات در ادیان ابراهیمی: روح‌الله زینلی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، ۱۳۸۶ش)
پرسمان کثرت‌گرایی دینی: روح‌الله زینلی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

حدیث فرقه ناجیه: حسین صابری، مجله مشکاة، شماره ۷۹.
دلیل المتحیرین فی بیان النّاجین: علی آل محسن، منشورات انوار الهدی. قم ۱۴۱۵.

دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات: علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵

شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، نشر مشعر، ۱۳۸۲
۲۷ فرق و مذاهب کلامی: علی ربانی گلپایگانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.

گروه رستگاران: سید محمد موسوی معروف به سلطان الواعظین شیرازی.
نافذة علی أهم الفرق المذاهب الاسلامیة: شکیب بن بدیره الطبلبی، انتشارات جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیة، قم.

۱. ادله قرآنی دال بر مدعا بسیار بود ولی بحث ما در باب روایات مربوطه بود لذا به آن نپرداختیم.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن الوزير، محمد بن ابراهیم، العواصم و القواصم، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، جامعه مدرسين، چاپ اول، قم، ۱۳۶۲ ش.
۴. ابن راشد، مفلح بن الحسین، الزام النواصب بامامة علی بن ابی طالب، بی جا، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالجيل، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم، ۱۴۰۳ق.
۸. اسفراینی، ابی المظفر، التبصیر فی الدین، المکتبه الازهریه للتراث، چاپ اول، قاهره، بی تا.
۹. اندلسی، ابن حزم، در الفصل فی الاهواء و الملل، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، لنجته احياء کتب الستة، قاهره، ۱۴۱۰ق.
۱۱. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، دارالجيل، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، دارالحديث، قاهره، ۱۴۱۹ق.
۱۳. تسهیر، جولد، العقیده و الشریعة، دارالرائد العربی، بیروت، بی تا.
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالتاویل، بیروت، ۱۴۳۵ق.
۱۵. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، الهیئته المصریه العامه للكتاب، ۱۹۹۰م.

۱۶. ری شهری، محمد، اهل البيت فى الكتاب والسنة، دارالحدیث، قم ۱۳۷۵ش.
۱۷. سجستانی، ابی داوود، سنن ابی داوود، دارابن جوزی، قاهره، بی تا.
۱۸. السیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۹. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و نحل، دارلامعرفه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۲۰. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۱. الشیبانی، احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، دارالحدیث، چاپ اول، قاهره ۱۴۱۶ق.
۲۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، نشر مرتضی، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء و مزیل الالباس، مکتبه القدس، قاهره، ۱۳۵۱ق.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، المطبعة العلمیة، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۲۷. فخر رازی، التفسیر الکبیر، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۲۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، مکتبه الصدر، چاپ دوم، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۳۰. کتانی، محمد بن جعفر، نظم المتناثر، دارالکتب السلفیه، چاپ دوم،

- بیروت، بی تا.
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ پنجاه و دوم، قم، ۱۳۹۸.
۳۳. مغربی، قاضی نعمان، دعايم الاسلام، دارالمعارف، بیروت، ۱۳۸۳ ق.
۳۴. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱.
۳۵. مقریزی، تقی الدین، الخطط، مکتبه مدبولی، بی جا، ۱۹۹۶ م.
۳۶. مناوی، محمد بن عبدالرؤف، فیض القدير شرح الجامع الصغير، دارالاضواء السلف، ریاض، ۱۴۲۶ ق.
۳۷. هيثمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة، مؤسسه الرساله، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
۳۸. هيثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مکتبه القدس، قاهره، ۱۴۱۴ ق.